

آب انبارهای

سردار بزرگ و سردار کوچک

شهر قزوین

شیما احمد صفاری^۱

زهرا پورشعبانیان^۲

چکیده:

اوضاع جغرافیایی و طبیعت خشک قزوین، تأثیری غیرقابل انکار در ایجاد آب انبارهای عمومی و وقفی داشته است. امر ذخیره‌سازی آب منجر به آن گشته، در شهر قزوین تعداد آب انبارها از صد تجاوز کند که تعدادی از آنها به سبب دارا بودن کتیبه و تاریخ مهم می‌باشند. آب انبار سردار بزرگ یا آب انبار محله راه‌ری از بزرگ‌ترین آب انبارهای تک‌گنبدی ایران می‌باشد که توسط محمد حسین خان سردار قزوینی، از سرداران بنام دوران قاجار جهت رفاه حال عموم مردم در شهر قزوین بنا گردیده است. آب انبار سردار کوچک نیز از دیگر آب انبارهای شاخص شهر قزوین توسط برادر وی تأسیس گشته است. در این مقاله سعی شده، این بناهای ارزشمند از لحاظ تاریخی و معماری مورد بررسی قرار گیرند.

کلید واژه‌ها:

قزوین، آب انبار، سردار بزرگ، سردار کوچک.

مقدمه

شرایط اقلیمی خشک و نیمه خشک بخش عمده‌ای از ایران، تأثیر ژرف و بنیادی در خلق پدیده‌های گوناگون معماری این سرزمین گذاشته است. ریزش‌های آسمانی در ایران، به جز ناحیه شمالی و سواحل دریای مازندران، در بقیه نواحی بسیار کم است. از این رو، از دیرباز در بیشتر دشت‌های وسیع ایران، برای دسترسی به آب، تلاش چشمگیری صورت گرفته و ایرانیان با بهره‌جستن از تمامی توانایی‌های خود، ده‌ها کیلومتر قنات حفر کرده‌اند.^۳ از دیرباز ایرانیان در کنار طرح‌های عمده تأمین آب، چون ایجاد قنات، ساختن سد و مانند آن، به امر ذخیره‌سازی آب‌های فراوان زمستانی برای مصرف رسانیدن آن در فصل‌های کم‌آب و خشک توجه داشته‌اند، و برای تحقق این مسأله، «آب انبار» را بنیان گذاشته‌اند. آب انبارها علاوه بر نقش مهمی که در زندگی روزمره مردم داشته‌اند، از موقعیت خاصی نیز در فرهنگ و اعتقادات مردم این سرزمین، بهره‌مند بوده‌اند. آب انبارها در بافت شهرهای حاشیه کویر، مرکز بسیاری از آبادی‌ها و شهرک‌ها و محله‌ها بوده‌اند و در بسیاری از محله‌ها بزرگ‌ترین و چشمگیرترین واحد معماری به شمار می‌روند.^۴ آب انبارها از قسمت‌های مختلفی نظیر: منبع ذخیره آب، پوشش منبع، هواکش و بادگیر، راه‌پله و پاشیر و سردر تزئینی تشکیل یافته‌اند. آب انبار از جمله بناهایی است که معمولاً در بافت اصلی شهر به همراه مسجد و حمام قرار می‌گرفته است و عموماً جنبه عام‌المنفعه داشته است.

انواع آب انبار

آب انبارها را می‌توان به دو دسته کرد:

آب انبارهای دشتی

این گونه آب انبارها در دشت ساخته می‌شدند و بسیار ساده بودند. ریخت برخی از آنها همانند آب انبارهای شهری است. ولی بیشتر آنها مانند یک استخر سرپوشیده



ساده هستند. یک سوی آنها پلکانی دارد که به درون آب می‌رود تا هرچه آب پایین برود بتوان از آن برداشت کرد. آب را با ظرف از خزانه برمی‌داشتند و این آب انبار، شیر و پاشیر نداشته است. تنها خزانه‌ای در یک گودی ساخته می‌شده و آب باران خود به خود در آن گرد می‌آمده است. گاه برای پر کردن آب انبارهای دشتی از جایی بسیار دور جوی آب تا آب انبار ساخته می‌شده تا آب به آن برسد مانند آب انبار عین الرشید یا دیرگچین که میان سیاه کوه و کرکس کوه نزدیک حسن آباد کهریزک، در کنار جاده کهن (تهران به قم) قرار داشته است که از راه دور آب را به آن جا می‌رسانده‌اند. البته آب آن جا کمی شور بوده است. نمونه‌های چنین آب انبارهایی را می‌توان بر سر راه یزد به نایین، به ویژه در اردکان در کنار جاده یافت که هنوز هم پا برجا هستند.^۵

آب انبارهای شهری و روستایی

اینها آب انبارهایی هستند که در محلات مختلف شهرها و روستاها ساخته می‌شدند. این آب انبارها یک تنوره یا خزانه دارند و با یک پلکان و پاشیر می‌توان به آب آن دست یافت، برای خنک کردن آب هم چند بادگیر دارند.^۶

انواع آب انبار از نظر کاربری

آب انبارهای خصوصی

این آب انبارها در خانه‌های شهری و یا روستایی، عموماً در زیر ساختمان یا در زیر سطح حیاط ساخته می‌شوند. مخازن این آب انبارها معمولاً مکعب یا مستطیل هستند و سقفی مسطح یا گهواره‌ای دارند.^۷

آب انبارهای عمومی

این آب انبارها اکثراً بناهای بزرگ و چشمگیری هستند و سازندگان آنها حکام و اعیان یا مردان نیکوکار محلی بوده‌اند که هزینه ساخت آنها را از بیت‌المال یا از اموال

خویش می پرداخته‌اند. معمولاً در مراکز محله‌ها و در کنار امکان مذهبی، آموزشی، رفاهی و تجاری ساخته می‌شدند. نمونه‌های بازممانده از این آب‌انبارها نشان می‌دهد که آنها نسبت به انواع دیگر دارای ظرفیت بیشتری بوده و می‌توانستند نیاز محلات پرجمعیت شهری را برای ماه‌ها تأمین کنند. اهمیت حیاتی این بناها موجب می‌شد که در انتخاب نوع مصالح و کیفیت ساختمان آنها دقت شود و افزودن بر بخش‌ها و اجزای ضروری، جلوخانه‌هایی بزرگ، سردر و هشتی، پله‌های پهن، بادگیرهای بلند و همچنین تزئینات گوناگون در آنها به کار رود.^۸

قزوین

قزوین در طول جغرافیایی ۵۰ درجه و عرض جغرافیایی ۳۶ درجه و ۱۵ دقیقه واقع شده و ارتفاع آن از سطح دریا در شهر قزوین، مرکز شهر ۱۲۹۸ متر، در شمالی‌ترین نقطه محدوده طرح تفصیلی ۱۳۲۰ متر و در خیابان کمربندی، در جنوب، ۱۲۸۰ متر است.^۹ این شهر در فاصله ۱۴۴ کیلومتری غرب تهران در جلگه وسیعی قرار گرفته است که عرض آن از شمال تا جنوب و از خاور به باختر تقریباً بین ۷۵ تا ۸۰ کیلومتر و مجموع مساحت آن بیش از شش میلیون متر مربع و در کوه‌های خرقان واقع شده که از جنوب به ساوه و از شرق به ساوجبلاغ محدود می‌شود.^{۱۰} قزوین که دهستان‌های چهارده‌گانه آن را در بر می‌گیرد و به دو ناحیه کوهستانی و دشت تقسیم می‌شود.^{۱۱} وجود رودهای کوچک که از زمین‌های حاصلخیز جنوب و جنوب غربی این شهرستان می‌گذرد و جلگه‌های آبرفتی در نشیب جنوبی امکان تشکیل اجتماعات بشری را در مناطق گوناگون این ناحیه به وجود آورده است.^{۱۲}

نام قزوین و وجه تسمیه قزوین

بلاذری در اواخر قرن دوم و اوایل قرن سوم هجری قمری؛ دژ قزوین را به فارسی «کشوین» نامیده و معنی آن جانبی و کناری است که به نظر می‌آید یا مرزی که باید نگهبانی و حفظ شود.^{۱۳} ابن فقیه همدانی متعلق به قرن سوم هجری قمری



به روایت بکر بن هیشم درباره کشوین بودن نام قزوین اشاره دارد؛ وی بیان می‌کند: بکر بن هیشم؛ دژ قزوین را، به فارسی کشوین، نامیده است، که به معنای مرز محفوظ است، زیرا میان قزوین و دیلم، کوهی فاصله است، و همواره از سوی مردم فارس، گروهی مرابط، از اسواران جنگی، در آن کوه‌اند. تا هرگاه میان آنان و دیلمیان صلحی نباشد دیلمیان را برانند^{۱۴}. احتمالاً در آن روزگار در این منطقه روستاهایی بوده است که نام‌شان از نظر آوایی به مانند قزوین کنونی بوده است، شاید کشوین نیز نام یکی از همین روستاها بوده که در دوران ساسانی به‌عنوان پادگان و دژ برگزیده می‌شود، سپس در دوران اسلامی به قزوین تغییر شکل می‌دهد^{۱۵}. ابن خردادبه نیز حصار و دژ قزوین را به فارسی «کشوین» نامیده است و تفسیر آن الحد المرموق است^{۱۶}.

قدامه بن جعفر کاتب بغدادی که در نیمه دوم سده سوم هجری دژ قزوین را به فارسی «کشوین» خوانده و معنی آن را «مرز دیداری» می‌داند^{۱۷}. امام رافعی به نقل از کتاب التبیان تألیف احمد بن ابی عبدالله برقی روایت کرده که قزوین ثغر «مرز» بوده یکی از اکاسره هنگامی که سرکرده‌ای را به عده بسیاری به آنجا فرستاد، دشمنان آنها پیش آمدند و این نقطه جایگاه سپاهیان بود. آنها صف کشیدند و آماده جنگ شدند، سرکرده آنها در صفوف مزبور شکافی دید و به یکی از یارانش گفت «این کش وین» یعنی آن موضع را نگهداری کن، پس دشمنان گریختند و در این جایگاه شهری بنا کردند و آن را کشوین نامیدند و پس معرب کردند و قزوین گفتند^{۱۸}.

حمدالله مستوفی نیز در تاریخ گزیده به نقل از کتاب التبیان درباره نام شهر بیان می‌کند: مشهور آن است که یکی از اکاسره قدیم لشگر به جنگ دیلمان فرستاده بود. در صحرای قزوین صف کشیدند. سپهدار لشکر اکاسره، به موضع زمین قزوین، در صف لشکر خود خللی دید. با یکی از اتباع خود گفت: «آن کش وین» یعنی بدان کج بنگر و لشکر راست کن، نام کشوین بر آن موضع افتاد. چون آن‌جا شهر گشودند کشوین خواندند؛ عرب معرب کردند، قزوین گفتند^{۱۹}. برخی از پژوهشگران جدید نظیر علامه دهخدا^{۲۰} نظری متفاوت با نظرات مورخان دارند و نظر وی این چنین

است: «قزوین مرکب از کزو به معنای پسته کوهی و ین نسبت است، یعنی سرزمین پسته^{۲۱}». همچنین نظر پژوهشگران معاصری مانند دکتر دبیرسیاقی درباره نام قزوین این است که با توجه به کلمه «وین» به معنی باغ که دو جا در شاهنامه فردوسی آمده و نیز با نام برخی آبادی‌ها ترکیب شده است نظیر آسبَوین (در قزوین) و اوین (در میانه) و اوین (در شمیران) و پیاوین (در سقز) و پنجوین (در سرحد عراق عرب) و دُوین (در قوچان)، صورت اصلی نام قزوین کزووین، مرکب از «کزو» به معنی مطلق پسته و «وین» به معنی باغ است که مناسبت آن وجود باغ‌های پسته بسیار در آن دشت و پیرامون شهر بود. در نهایت یکی از دو حرف «واو» از «کزووین» در تداول حذف شده و کاف کلمه هم به قاعده متعارف تبدیل به حرف قاف گردیده است و در صورتی هم که قدما نقل کرده‌اند، یعنی «کشوین» همین اعتقاد را یافت همین باغ واقع درکش، و مرز و حد و طرف و جانب (جانب دیلم)^{۲۲}

منابع آبی قزوین

آب به‌عنوان منبعی ارزنده در بسیاری از مسائل مانند بافت شهرها و روستاها، کشاورزی و ... نقش بسزایی را بر عهده داشته است. در برخی از مناطق جغرافیایی ایران به علت خشکی نسبی و وجود آب و هوای متفاوت و نیاز به آب برای آبیاری محصولات اصلی و زیربنایی کشاورزی و صرفه‌جویی در مصرف آب به‌علت خست طبیعت، در طول قرن‌ها نوعی جیره‌بندی در آب به‌وجود آمده که همراه با آن قوانین عرفی خاصی ایجاد شده است. دشت قزوین هم جزء مناطق نیمه خشک محسوب می‌شود که با وجود داشتن منابع خاک نسبتاً غنی و مستعد از نظر منابع آب در محدودیت است^{۲۳}. منابع آب و کمبود آن در قزوین امری است که از دیرترین دوران مورد توجه بوده و زندگی این شهر با آن در پیوند بوده است. پدیده کم آبی در قزوین سبب گردیده تا ساکنان آن شیوه‌های مختلفی را در زمینه تأمین و توزیع آب به‌کار گیرند تا از بازدهی بیشتری برخوردار باشد و در امر ذخیره آب



برای مصرف زندگی روزانه و بهره‌برداری از آب‌های زمستانی و سیلاب‌های بهاره تدبیرهایی اندیشیده‌اند^{۲۴}. درباره پدیده کم‌آبی در بیشتر منابع تاریخی با نوشته‌هایی برخورد می‌کنیم که به این موضوع پرداخته‌اند که به نمونه‌ای از آنها اشاره می‌شود: * در البلدان، یعقوبی ضمن شرح قزوین چنین آورده است: «قزوین از جاده بزرگ منحرف است و در پای کوهی هم مرز دیلم واقع شده و آن را دو رودخانه است که یکی از آن دو «وادی کبیر» و دیگری «وادی سیرم» گفته می‌شود و در ایام زمستان آب در آن دو جریان دارد و در ایام تابستان قطع می‌شود^{۲۵}...»

* اصطخری نیز در مورد وضع آب قزوین این چنین می‌گوید: «... در قزوین آب جاری نیست مگر به مقدار آشامیدن و این آب هم در کاریزی در مسجد جامع روان است و آب ناسازگاری است و در آن شهر اشجار و تاکستان‌ها و کشتزارهایی است که تمامی دیم است و محصول آنها را به اطراف آفاق حمل می‌کنند^{۲۶}».

* ابن حوقل نیز که نوشته‌اش تقریباً همزمان با کتاب اصطخری است درباره وضع آب و کشتزارهای قزوین توصیفی به‌طور کامل شبیه اصطخری دارد. او می‌نویسد: «آن شهری است که آبش از باران و چاه‌ها است. در آن نهری نیست جز کاریز کوچکی برای آشامیدن و چنان که ذکر کردم آب آن افزون‌تر از مصرف آشامیدن ایشان نیست و آنجا با کمی آب حاصلخیز است^{۲۷}».

* مقدسی درباره وضع آب قزوین مطلبی می‌نویسد که با نوشته‌های اصطخری و ابن حوقل تفاوت دارد: «قزوین - بزرگ و نفیس است - در آن نهری است و بر گرد آن بارویی و در درون او شهری است که جامع در آن است و آن را تاکستان بسیاری است. در خبیر، قزوین باب الجنه است در شهرهای «ری» عظیم‌تر از آن نیست^{۲۸}». همان طوری که می‌بینیم توصیف مقدسی از این شهر با توصیفات اصطخری و ابن حوقل دارند بسیار متفاوت است. به‌خصوص این که مقدسی به هیچ‌وجه روی کم‌آبی شهر تکیه نکرده و با به‌کار بردن کلمه «نفیس» برای توصیف قزوین، آن را شهری آباد و با طراوت که دست‌کم مشکل بی‌آبی ندارد معرفی می‌کند.

* اشکال العالم وضع آب قزوین را در نیمه دوم قرن چهارم هجری چنین توصیف کرده است: «... در جمله قزوین و مضافات و اعمال آن هیچ آب روان نیست که به کشت‌ها و باغ‌های ایشان رود مگر کاریزی دارند اندک آب که از آن می‌خورند، و آب کاریز در زیر زمین در مسجد جامع می‌رود. درختان و باغ‌ها و کشت‌های ایشان بر آب باران است و ایشان را میوه‌های نیکو^{۲۹}».

* در حدود العالم درباره آب قزوین چنین آمده است: «قزوین، از گردوی باره، و ایشان را یکی جوی آبست که اندر میان مزکت^{۳۰} جامع گذرد و چندانست که بخورند و ... آنجا میوه نیکو باشد^{۳۱}».

* ناصر خسرو در سفرنامه خود درباره وضع آب قزوین می‌نویسد: «... مگر آن که آب در وی اندک بود و منحصر به کاریزها در زیرزمین^{۳۲}...» از نوشته ناصر خسرو این چنین برمی‌آید که در نیمه اول قرن پنجم در قزوین چند کاریز وجود داشته است. * حمدالله مستوفی مورخ و جغرافی‌دان مشهور ایرانی که در قرن هفتم و هشتم می‌زیسته و عمده روزگارش را در قزوین سپری ساخته است در دو اثر باارزش خود به نام‌های نزهة القلوب و تاریخ گزیده به منابع آب قزوین پرداخته است. وی در کتاب نزهة القلوب خود قزوین را این‌گونه توصیف می‌کند: «به خلاف ادوار بروج هوایش معتدلست و آبش از قنواتست و در او باغستان بسیار است و در سال یک نوبت به وقت آبخیز سقی کنند^{۳۳}».

* مستوفی در کتاب دیگر خود یعنی تاریخ گزیده، اطلاعات دقیق‌تری درباره منابع آب قزوین در اختیار قرار می‌دهد. «آب رودخانه‌های آن‌جا از برف است و اندکی چشمه دارد و در آخر زمستان و اول بهار جاری باشد و در گرما چون آب چشمه‌ها اندک است به شهر نتواند رسید و پنج رودخانه است: دزج، ارنزک، زراره، سامر^{۳۴} (۴) و رشتقون، اک (و فاسقین)^{۳۴}».

با توجه به نوشته‌های مورخان درباره آب قزوین این‌گونه برداشت می‌شود که شهری کم‌آب بوده و در عین حال نیز حاصلخیز بوده و مردم این شهر آب مورد نیاز



برای آبیاری و آشامیدن خود را از طریق باران و کاریزها تأمین می کرده‌اند.

آب انبار سردار بزرگ

قزوین در برابر تاخت و تاز دیالمه به صورت یک دژ برای پادگان و سپاهیان این منطقه ایجاد شد، با آن که دو رودخانه دیزه و ارنزک از دو سوی آن می گذشت چون در تابستان آب آنها قطع می شد و در زمستان و بهار نیز گل آلود بود از این رو ساکنین دژ از آب چاه استفاده می کردند. پس از آن که آبادی وسعت پیدا کرد و به صورت شهری درآمد و سکنه آن افزایش یافت، از آن جا که آب چاه‌ها نیز در تابستان فروکش می کرد و کم می شد یا چاه‌ها خشک می گردید و مردم برای آب به زحمت می افتادند این بود که به ساختن آب انبار مبادرت کردند، تا به طور دائم از تنگی آب در امان باشند، به سبب این نیازمندی مردم صاحب ثروت در خانه‌های خود به اندازه احتیاج آبی تهیه کردند و اشخاص نیکوکار نیز برای کسانی که دارای خانه نبودند یا استطاعت ساختن آب انبار را نداشتند و همچنین برای طبقه فقرا و تهیدستان به تناسب جا و مکان آنها آب انبارهای بزرگ و کوچک ساختند و وقف نمودند که در تمام سال اهل آن محله و یا گذر از آن بهره‌مند می شدند، این کار خیر نیز تا کنون ادامه دارد و اکثر مردم قزوین از آب انبارهای عمومی استفاده می کنند. رسم است آب انبارها را اعم از شخصی یا وقفی در چله‌های زمستان آب می بندند، برای آن که در این وقت نوعاً آلودگی آب‌ها کمتر است و اگر هم احیاناً آلوده باشد در اثر سرمای شدید از بین می رود، علاوه بر این کف رودخانه‌ها و نهرها به واسطه جریان آب شسته و پاکیزه گردیده است. لذا شب هنگام پس از ساعت ده، آن هم شب‌هایی که یخبندان است آب انبارها را آب می بندند، به همین جهت و به ملاحظه اسلوب ساختمان آب، بیشتر آب انبارهای عمومی در تابستان به قدری خنک است که نیازی به یخ ندارد^{۳۵}. برای دسترسی به آب آب انبارهای قزوین از روش پلکانی و پاشیر، که در بیشتر شهرها معمول بوده استفاده شده است. این روش نسبت به روش

دسترسی مستقیم با دلو از مخزن آب انبار که سبب آلودگی آب می‌گشته، ارجحیت داشته است. مسیر پلکان همجوار با مخزن بوده است. به این ترتیب با در نظر گرفتن محل ورود به پلکان در حاشیه یک مسیر، پلکان در یک طرف مخزن قرار می‌گیرد.^{۳۶}

معرفی محمد حسین خان سردار قزوینی (سردار بزرگ)

محمد حسین خان سردار قزوینی، در حدود سال‌های ۱۱۵۵ ه.ق در قزوین متولد شد. پس از فراگیری علوم متداول و فنون نظامی در زادگاه خود به دستگاه فتحعلی‌شاه «نایب السلطنه آقا محمد خان قاجار» در فارس پیوست و در سرکوبی شورش صادق خان شقاقی در ۱۲۱۲ ه.ق در صحرای خاکعلی قزوین، لقب خانی یافت و پس از آن نیز حکومت‌های ملوک الطوائفی در فارس، اصفهان، و خراسان را برچید و نقش بسزایی در یکپارچگی ملی ایران ایفا کرد. در سال ۱۲۱۲ ه.ق برای مقابله با تجاوز ارتش روس با رتبه سرداری و سپهسالاری به حکومت ایروان منصوب شد و تا سال ۱۲۴۳ ه.ق در جنگ‌های دوگانه ایران و روس با شجاعت و تدبیر از مرزهای کشور پاسداری کرد. پایداری سلحشورانه او در رویارویی با سپاه تا دندان مسلح روس به فرماندهی ژنرال کداویچ به ایروان در سال ۱۲۲۳ ه.ق حماسه‌ای بزرگ و سندی پرافتخار از میهن پرستی ایرانیان است. وی پس از معاهده ترکمانچای به ایران بازگشت و چندی حکومت خراسان و ریاست ایل بختیاری را بر عهده داشت و در سال ۱۲۴۵ ه.ق در نود سالگی درگذشت و پیکرش در جوار حرم مولایش علی علیه السلام آرمید.^{۳۷}

موقعیت مکانی آب انبار سردار بزرگ

آب انبار سردار بزرگ واقع در محله راه ری سابق و غرب خیابان سپه کنونی، نبش کوچه شهید علوی است.^{۳۸}

پیشینه تاریخی آب انبار سردار بزرگ

محمد حسین خان سردار و محمد حسن خان سردار در راستای حیات و زندگانی مردم یک محله از قزوین بانی انبار سردار گردیدند، روسازی و نماسازی و کتیبه‌ای ندارد و چنین می‌نماید که عمر بانیاں کفاف نکرده و یا گرفتاریشان مانع شده است که روسازی این آب انبار به اتمام برسد. ساختمان آن در سال ۱۲۲۷ ه.ق. بوده، این بنا به واسطه عدم تکمیل و مراجعین فراوان روبه ویرانی دارد، در ۱۳۱۳ خورشیدی به دستگیری شهرداری تعمیرات لازم شد و نیز در سال ۱۳۳۵ خورشیدی (۱۳۷۵ ه.ق) شهرداری از نو آن را مرمت نمود. این آب انبار همواره مورد استفاده مردم این ناحیه است. آب آن هم در تابستان بسیار خنک می‌باشد چنان‌که کسی به یخ نیازمند نیست^{۳۹}. آب انبار سردار بزرگ یا آب انبار محله راه ری، بزرگ‌ترین آب انبار تک گنبدی ایران می‌باشد که دارای ویژگی‌های منحصر به فرد می‌باشد. آب انبار سردار کوچک از لحاظ مساحت نسبت به آب انبار سردار بزرگ، کوچک‌تر می‌باشد اما مخزن آب آن دارای حجم بیشتری بوده و آب بیشتری در آن برای استفاده مردم ذخیره می‌شده است^{۴۰}.

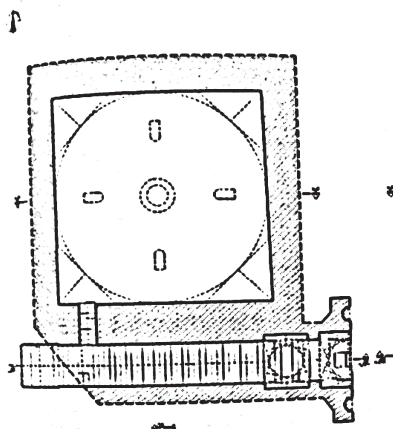


کتیبه آب انبار سردار بزرگ^{۴۱}

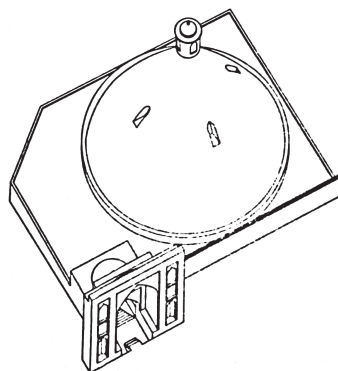


تحلیل معماری آب انبار سردار بزرگ^{۴۲}

آب انبار سردار بزرگ یا آب انبار محله راه ری، بزرگ‌ترین آب انبار تک گنبدی ایران است، این آبگیر عظیم که باعث حیات و زندگانی مردم یک محله است، دارای یک طاق است و ابعاد آن عبارت است از: ۱۶ ذرع درازا و ۱۶ ذرع پهنا و ۱۶ ذرع گودی که مجموع مساحت مکعب آن ۴۰۹۶ ذرع مکعب می‌شود. در وسط طاق بزرگ از خارج یک گنبد مخروطی کوچک از کاشی فیروزه ساخته‌اند. گنبد عظیم آب انبار سردار، آجری است که در بالاترین قسمت آن بادگیری قرار گرفته و ارتفاع بلندترین نقطه آن تا کف آب انبار حدود ۲۸،۵ متر است. ظرفیت نمادین آبگیر و گنبد فیروزه‌ای کوچکی که بر فراز گنبد بزرگ آجری واقع شده، گنبد مسجد سردار را به خاطر می‌آورد. این آب انبار دارای سردری رفیع با قوس جناغی است که در طرفین آن دو طاق نما در سه طبقه قرار گرفته و واجد کاربندی و کاشی کاری معقلی است^{۴۳}. راه شیر دارای ۴۷ پله سنگی و هر پله به ارتفاع متوسط ۲۵ سانتی‌متر، طول ۳،۴۰ و عرض ۲۵ سانتی‌متر در نظر گرفته شده بود که با سه پله سردر جمعا ۵۰ پله دارد. در این آب انبار نسبت به عمقش پله در نظر گرفتند، در نتیجه برای دسترسی به آب ۱۲،۵ متر باید به پایین رفت. آب این آب انبار از قنات‌های طیفوری و یخچال تأمین می‌شده است^{۴۴}. پوشش راه شیر از نوع طاق آهنگ جناغی است و در این راهرو چهار شیر آب در فاصله‌های معین تعبیه گشته که با کم و زیاد شدن آب در مخزن از شیرهای پایین‌تر استفاده می‌شده است. مخزن آب این آب انبار دارای طرحی مربع شکل به ابعاد تقریبی ۱۷×۷۱×۷۱ متر است و چهار سکنج عظیم برای قرار گرفتن گنبد به روی آن طرح مربع را به هشت ضلعی تبدیل می‌کنند. مصالح به کار رفته در جرزهای آب انبار شفته آهک با روکش ساروج و قطر دیوارهای آن در حدود ۳ متر است. علاوه بر بادگیر مرکزی چهار روزن مشبک دیگر جهت تهویه هوا در گنبد کار گذاشته‌اند، حجم مخزن این آب انبار ۳۰۰۰ متر مکعب می‌باشد^{۴۵}.



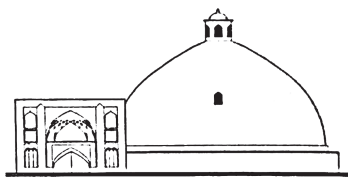
پلان آب انبار سردار بزرگ



پرسپکتیو آب انبار سردار بزرگ ۴۶



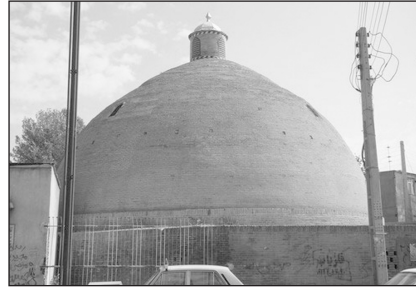
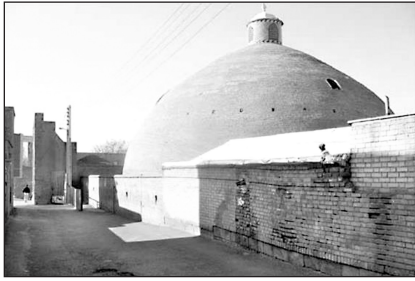
نمای جنوبی آب انبار سردار بزرگ



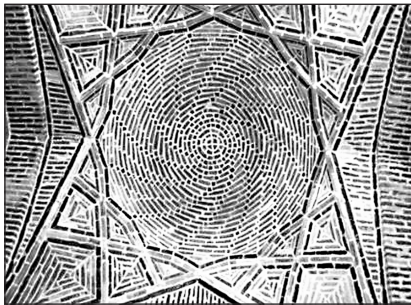
نمای شرقی آب انبار سردار بزرگ



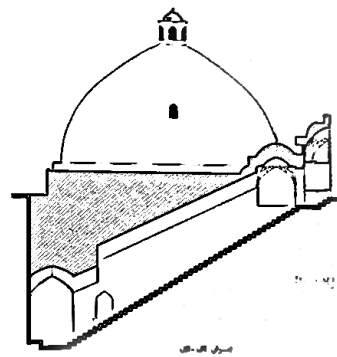
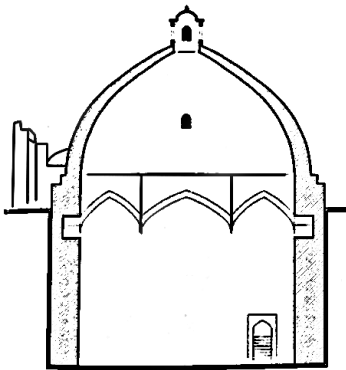
نمای ورودی آب انبار سردار بزرگ در قدیم و جدید



نمای جنوبی آب انبار سردار بزرگ



هشتی ورودی آب انبار سردار بزرگ



سردار بزرگ

سردار کوچک

پلان پلکان ورودی و فضای داخلی آب انبار سردار بزرگ



راه پله ورودی آب انبار سردار بزرگ



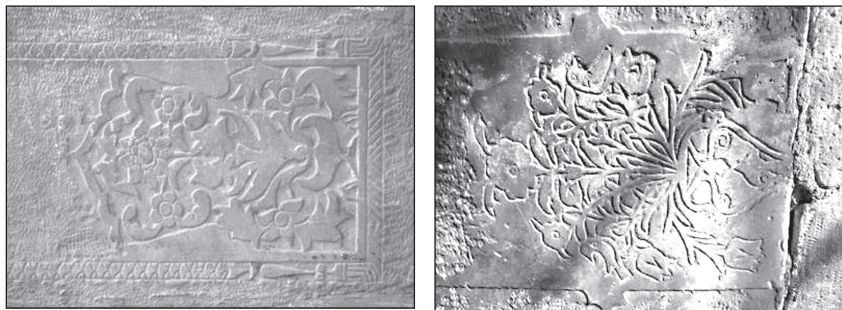
فضای داخلی آب انبار سردار بزرگ (تصویری نمادین از جنگ آوری سردار)



پله‌های ورودی به مخزن اصلی آب انبار



محل ورودی اصلی آب انبار سردار بزرگ



بخشی از تزیینات داخلی آب انبار سردار بزرگ

آب انبار سردار کوچک

موقعیت مکانی

در انتهای جنوبی محله قملاق^{۴۷} و به فاصله کمی در شمال غربی سلطان سید محمد روبروی مدرسه‌ای به همین نام واقع شده و یکی از آب انبارهای مهم قزوین به‌شمار می‌رود.

تحلیل معماری

آب انبار سردار کوچک از حیث عظمت بنا و ظرافت ساختمان در ردیف آب انبار حاج کاظم است. از بالا تا پایین ۳۷ پله دارد که چهار راه شیر در آن به کار رفته، انبار آن مسقف به چهار گنبد و چهار بادگیر یا بخار کش است. آزاره پلکانش تمام سنگ و نمایش با آجرهای کاشی تزیین یافته است. قسمتی از محلات قملاق و آخوند و مغلواک مدت یکسال از آب این انبار بهره‌مند می‌شوند که یا توسط سقاخانه‌ها برده می‌شود و یا خود اهل محل ظرف‌های خود را می‌آورند و آب برمی‌دارند. همان‌گونه که اشاره شد اغلب این‌گونه آب انبارها را سالی یک مرتبه آب می‌بندند، بنابراین برای مصرف سالیانه اهالی کافی است. آب آنها نیز در تابستان آن‌قدر خنک است که مردم این حدود نیازمند یخ نیستند. بانی این آب انبار هم همان دو برادری می‌باشند که آب انبار سردار بزرگ را ساخته‌اند. این آب انبار دارای کتیبه‌ای است از

سنگ مرمر که اشعاری به خط نستعلیق ممتاز در آن منقور گردیده است^{۴۸}. این آب انبار به سال ۱۲۲۹ در شمال مسجد- مدرسه سردار ساخته شده که از نظر وسعت و ظرافت بسیار چشمگیر است. مخزن پلانی مربع به ابعاد تقریبی ۲۰ متر دارد که در مرکز این مربع ستون عظیمی قرار گرفته که اندازه جرز هر ضلع آن ۴ متر می باشد و بار چهار تویزه را تحمل می کند. به این ترتیب پلان مربع آبگیر در سقف به چهار مربع کوچک تر تقسیم شده و هریک از این قسمت ها توسط گنبد خفته ای پوشش شده است که در مرکز هر گنبد بادگیر یا بنخارکش کوچکی تعبیه شده که کار تهویه را انجام می دهد. طاق نماهای دو طرف سردر ورودی که با کاشی کاری تزیین شده، رسمی بندی سردر، قطر جرزهای ۳،۱۰ متری مخزن، راه آب سی و هشت پله ای، کتیبه مرمر به نستعلیق جلی، ازاره سنگی پلکان و تزیینات کاشی و آجر تشخیص ویژه ای را به این آب انبار بخشیده است. این آبگیر با گنجایش ۳۸۰۰ متر مکعب بزرگ ترین آب انبار قزوین به شمار می آید^{۴۹}.

کتیبه آب انبار سردار کوچک

به عهد فتحعلی شاه زیب تاج و نگین

که سر به سجده او سوده خسرو خاور

حسین خان و حسن خان دو شیرفش سردار

دوشهسوار شهندو دو رزمجو صفدر

دو سرفراز برادر، دو نامور سردار

دو پایدار دلاور دو کینه کش سرور

خجسته شاه ظفرمند را سپهسالار

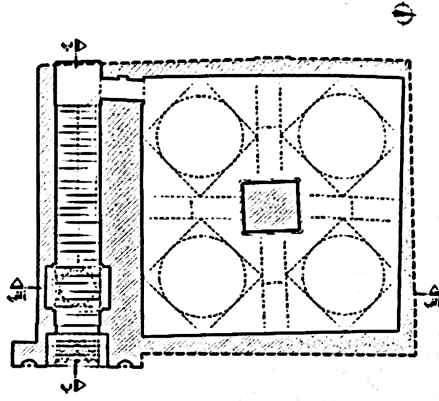
ستوده میر عدوبند را ظفر گستر

کز اسمشان شده گمنام رستم و سهراب

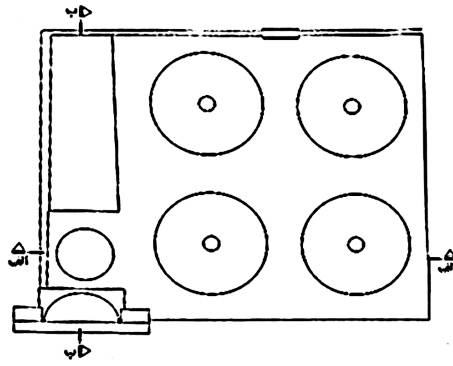
ز بذلشان شده طی رسم حاتم و جعفر



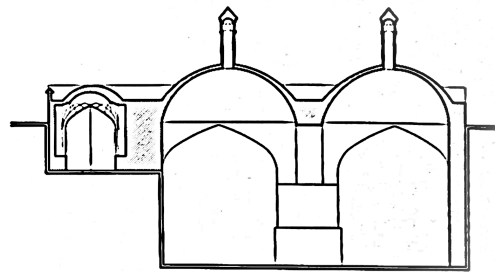
فکند همتشان وضع این خجسته غدیر
کشید اشارتشان طرح این ستوده شمر
که همچو ساحت کوثر بُود نشاط‌انگیز
که همچو چشمه حیوان بود روان‌پرور
به یاد تشنه لب کربلا حسین شهید
امیر مشرق و مغرب اما جن و بشر
سزد که خطه قزوین از آن بخود نازد
چنان‌که ساخت جنت ز چشمه کوثر
چو برکه وسعت او همچو بحر بی پایان
چه آب حسن صفایش ز زمزم افزونتر
هر آن‌که آب روانبخش جست چشمه خضر
روانه شد سو این برکه کایدش رهبر
ز سعی و همت آقا محمد اسماعیل
کز و رواج بریزد هنر ز سکه چو زر
تمام گشت چو این برکه در جهان شد طاق
کشیده صف پی پاداش قدسیان یکسر
چو مایل از پی تاریخ در دعا گفتند
«نصیب باد به هر یک ز زمزم و کوثر»^{۵۰}



پلان آب انبار

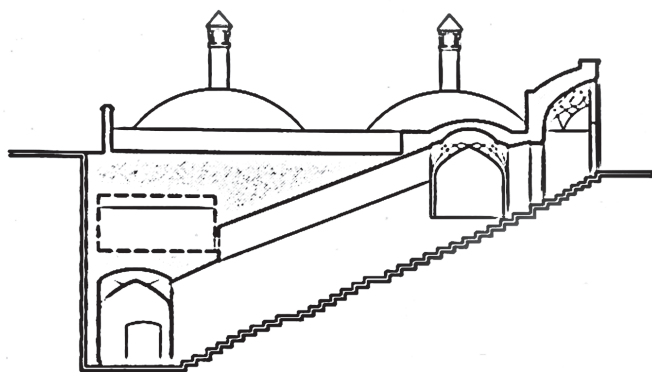


پلان بام



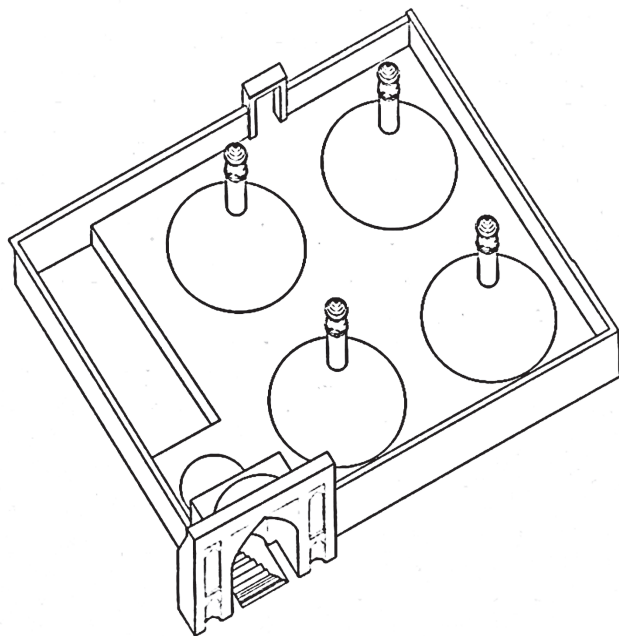
برش الف - الف

برش الف - الف



برش ب - ب

برش ب - ب



پرسپکتیو آب انبار سردار کوچک

پی نوشت‌ها:

۱. دکترى باستان‌شناسى (اسلامى)، دانشگاه آزاد اسلامى واحد علوم و تحقیقات تهران.
۲. دکترى باستان‌شناسى (اسلامى)، دانشگاه آزاد اسلامى واحد علوم و تحقیقات تهران.
۳. معماری ایران در دوره اسلامی، ص ۲۲۳.
۴. همان، ص ۲۲۴.
۵. آشنایی با معماری اسلامی ایران، ص ۲۸۷.
۶. همان، ص ۲۸۸.
۷. تاریخ هنر و معماری ایران در دوره اسلامی، ص ۱۶.
۸. معماری ایران در دوره اسلامی، ص ۲۲۵.
۹. سیمای تاریخ و فرهنگ قزوین، ج ۱، ص ۱.
۱۰. مجله پژوهش‌های علمی تاریخی، دوره ۳، شماره ۲، ص ۲.
۱۱. سیمای تاریخ و فرهنگ قزوین، ج ۱، ص ۱.
۱۲. مجله پژوهش‌های علمی تاریخی، دوره ۳، شماره ۲، ص ۲.
۱۳. فتوح البلدان، صص ۳۲۹ - ۳۳۳.
۱۴. مختصر البلدان، ص ۱۲۰.
۱۵. سیمای تاریخ و فرهنگ قزوین، ج ۱، ص ۱۰۴.
۱۶. مسالك و ممالك، ص ۲۱.
۱۷. الخراج و صناعة الكتابه، ص ۲۶۱.
۱۸. سیمای تاریخ و فرهنگ قزوین، ج ۱، صص ۱۰۳ - ۱۰۴.
۱۹. تاریخ گزیده، ص ۷۷۳.
۲۰. لغت‌نامه دهخدا، ج ۲۵، ص ۱۲۹۲.
۲۱. قزوین آیینة تاریخ و طبیعت، ص ۲۵.
۲۲. مجله پیک نور، سال اول، شماره ۲، صص ۱۵ - ۱۶.
۲۳. مجله تحقیقات جغرافیایی، ش ۳۵، ص ۱۳۲.
۲۴. سیمای تاریخ و فرهنگ قزوین، ج ۱، ص ۵.
۲۵. البلدان، ص ۴۵.
۲۶. المسالك و الممالك، ص ۲۰۰.
۲۷. صورة الارض، ص ۲۷۱.
۲۸. احسن التقاسيم فى المعرفة الاقاليم، ج ۲، ص ۳۹۲.
۲۹. اشكال العالم، صص ۱۴۲ - ۱۴۳.
۳۰. مزگت معادل مسجد است.
۳۱. حدود العالم من المشرق الى المغرب، ص ۸۲.
۳۲. سفرنامه ناصر خسرو، ص ۵.
۳۳. نزهة القلوب، ص ۶۳.
۳۴. تاریخ گزیده، ص ۷۷۹.
۳۵. مینودر یا باب الجنه قزوین، ج ۱، ص ۳۱۱.
۳۶. مجله فرهنگ مردم، شماره ۳۱ و ۳۲، صص ۱۹۷ - ۱۹۸.
۳۷. اطلاعات پایگاه اینترنتی میراث فرهنگی در بنای آب انبار سردار بزرگ.
۳۸. مجله فرهنگ مردم، شماره ۳۱ و ۳۲، ص ۱۹۵.
۳۹. مینودر یا باب الجنه قزوین، ج ۱، ص ۳۱۷.
۴۰. با استناد به صحبت اهالی بومی منطقه.
۴۱. همه عکس‌ها، توسط خانم شیما احمد صفاری در سال ۱۳۹۴ گرفته شده است.
۴۲. شماره ثبت ۱۳۳۷.
۴۳. قزوین آیینة تاریخ و طبیعت، ص ۸۰.
۴۴. مجله فرهنگ مردم، شماره ۳۱ و ۳۲، صص ۱۹۷ - ۱۹۸.
۴۵. قزوین آیینة تاریخ و طبیعت، ص ۸۰.
۴۶. همه طرح‌ها، توسط آقای محمد نادر محمدزاده کشیده شده‌اند(مأخذ: یادگار



- جهانگردی استان قزوین، ۱۳۸۲.
۶. الخراج و صناعة الكتابه، ابوالفرج قدامه بن جعفر، چاپ لندن، ۱۸۸۹.
۷. تاریخ هنر و معماری ایران در دوره اسلامی، محمد یوسف کیانی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۶.
۸. مینودر یا باب الجنه قزوین، محمد علی گلرین، انتشارات طه، مرکز نشر میراث فرهنگی قزوین، ۱۳۳۷.
۹. تاریخ گزیده، حمدالله بن ابی بکر احمد بن نصر مستوفی قزوینی، به اهتمام دکتر عبدالحسین نوایی، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲.
۱۰. یادگار ماندگار: نقشه بناهای تاریخی استان قزوین، محمد نادر محمدزاده، قزوین: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، ۱۳۸۵.
۱۱. سیمای تاریخ و فرهنگ قزوین، پرویز ورجاوند، جلد ۱، نشر نی، ۱۳۷۷.
۱۲. نزهة القلوب، حمدالله ابن ابی بکراحمد مستوفی، به کوشش دکتر دبیر سیاقی، تهران، ۱۳۳۶.
۱۳. لغت‌نامه دهخدا، علی اکبر دهخدا، ج ۲۵، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۴۲.
۱۴. البلدان، احمد بن محمد بن اسحاق الهمدانی، ترجمه مختصر البلدان، ترجمه: ح. مسعود، انتشارات بنیاد

- ماندگار: نقشه بناهای تاریخی استان قزوین، صص ۱۸-۱۹).
۴۷. به معنی ریگزار. به علت این که نخاله‌های ساختمانی را در این محل تخلیه می‌کردند و شن، ماسه و سنگریزه وجود داشت، به آن قملاق یا ریگزار می‌گویند.
۴۸. مینودر یا باب الجنه قزوین، ج ۱، ص ۳۱۶.
۴۹. قزوین آیینه تاریخ و طبیعت، ص ۸۲.
۵۰. مجله بیک نور، سال اول، شماره ۲، صص ۵۱۴-۵۱۵.

منابع:

کتاب

۱. مسالک و ممالک، ابن خردادبه، چاپ لیدن هلند، ۱۳۰۶.
۲. مختصر البلدان، احمد بن محمد بن اسحاق الهمدانی ابن فقیه، ترجمه: ح. مسعود، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹.
۳. فتوح البلدان، احمد بن یحیی بن جابر بلاذری، ترجمه: محمد توکل، تهران، ۱۳۳۷.
۴. آشنایی با معماری اسلامی ایران، محمد کریم پیرنیا و غلامحسین معماریان، تهران، موسسه آموزش عالی دیلمان، ۱۳۹۴.
۵. قزوین آیینه تاریخ و طبیعت، محمد علی حضرتی، سازمان ایرانگردی و

- فرهنگ ایران، ۱۳۴۹.
۱۵. المسالك والممالك، ابواسحق ابراهیم اصطخری، هلند، چاپ لیدن، ۱۹۲۷.
۱۶. صورة الارض، ابوالقاسم محمد بن حوقل، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۵.
۱۷. احسن التقاسیم فی المعرفة الاقالیم، ابو عبدالله محمد بن احمد مقدسی، جلد ۲، هلند، چاپ لیدن، ۱۸۷۷.
۱۸. اشکال العالم، ابوالقاسم بن احمد جیهانی، ترجمه: علی بن عبدالسلام کاتب، با مقدمه و تعلیقات فیروز منصوری، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.
۱۹. حدود العالم من المشرق الی المغرب، گمنام، تصحیح: سید جلال الدین طهرانی، تهران، نشر قاهره، ۱۳۵۲.
۲۰. سفرنامه ناصر خسرو، سید محمد دبیرسیاقی، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۵۴.

مقاله

۱. شهر تاریخی قزوین، احسان اشراقی، مجله پژوهش‌های علمی تاریخی، دوره ۳، شماره ۲، ۱۳۹۰.
۲. قزوین و وجه تسمیه آن، سید محمد دبیر سیاقی، مجله پیک نور، سال اول، شماره ۲، ۱۳۸۱.
۳. آب انبار سردار بزرگ قزوین و نقش
- آن در زندگی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مردم محله راه ری سابق، نصرالله عسگری، مجله فرهنگ مردم، شماره ۳۱ و ۳۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۸.
۴. آب انبار، پرویز ورجاوند، منتشر شده در کتاب معماری ایران در دوره اسلامی، گردآورنده: محمد یوسف کیانی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۶.
۵. بررسی منابع آب دشت قزوین، سیما بوذری، مجله تحقیقات جغرافیایی، شماره ۳۵، زمستان ۱۳۷۳.

پایگاه اینترنتی

۱. پایگاه میراث فرهنگی، اطلاعات منتشر شده در بنای آب انبار سردار بزرگ.